O blessed Providence, King of the world, Sovereign of the earth! We are but a handful of distressed souls seeking solace from Thee, and a lonesome band desiring refuge with Thee. In the darkness of the world, set a lamp before the lost; amidst the hardships of the times, make clear the path to tranquility.

With Thy heavenly waters, wash away the filth of perversity from our hearts, and purge our eyes from the dust and chaff of covetousness and captiousness. In Thy grace and bounty, shine Thy supernal light upon our souls; in Thy solicitude and generosity, cast the ray of Thy celestial splendor upon our spirits; and with the light of knowledge and insight, illumine the eyes of the blind.

O blessed Providence! I desire naught from my tongue but to praise Thee, naught from my mouth but to worship Thee. With mine ear, I hearken unto Thy voice, and from Thy voice I perceive the song of Thy praise. Of what use to me is writing, if it not be done in praise of Thee? And if they disclose not Thy secret, if they celebrate not Thy praise, what then would proceed from my hand and my tongue?

پاک پروردگار ۱، جهان خدیو ۱، جهاندار ۱ ما مُشتی پریشانیم که سامان از تو جوییم و گروهی بیکسانیم که پناه از تو خواهیم. در تاریکیهای جهان چراغی فرا راهِ گمراهان دار، و در سختیهای روزگار راهِ آسایش هویدا فرما.

دلها را از پلیدی زشتی به آبِ آسمانی بشوی، و چشمها را از خاک و خاشاکِ آز و آک پاک فرما. جانها را به بخششت فروغ آسمانی ده، و روانها را از دهش و نوازش پرتو یزدانی بخش. نابینایان را فروغ دانش و بینش بخشای.

پاک پروردگارا از زبان ستایش تو خواهم، و از دهان نیایش تو خواهم، و از دهان نیایش تو خواهم. از گوش سروش سرود تو جویم. اگر سپاس تو نباشد، مرا نگارش به چه کار آید؟ و اگر نه راز تو گوید و ستایش تو جوید، مرا از دست و زبان چه گشاید؟

O Sovereign of the earth! Since there can neither be any end to praise of Thee, nor any limit to worship of Thee, better would it be for me to close the book of my praise and worship of Thee with the words of Thy servant of old:

My Lord, my King! Evince Thy munificence and overlook my sins

By reason of the privation Thou seest, the shame Thou knowest

Only in the hope of obeying Thee, do I wish for life in the body

If there be not this wish, better, then, that I should perish!

In the beginning, Thou didst deliver me unto the felicity of guidance

What if, in the end, Thou wert to honor me with a martyr's death?

جهاندارا، ستایشت را انجامی نیست و نیایشت را فرجامی نه. آن بِهٔ که دفترِ ستایش و نیایش را به گزارشِ یکی از بندگان دیرینت به انجام برم: مَلِکا و پادشاها، کَرَمی نما و بگذر

ملکا و پادشاها، کرمی نما و بکدر به ضرورتی که بینی، به خجالتی که دانی به امید طاعت تو تنِ خویش زنده خواهم چو نباشد این تمنّا، نه من و نه زندگانی تو رساندیم در اول به سعادتِ هدایت چه شود اگر در آخر به شهادتم رسانی